

متن پرسش

سلام: من چند سالی است نماز شب می خوانم ولی مشکلی که دارم این است که خیلی به آن وابسته شده ام. طوری که هیچ چیز دیگر جای آن را برایم نمی گیرد. دقیقا مثل یک معتاد با ویژگی هایش. انگار معتاد شده ام بهش و می ترسم ترکش کنم. حتی مثلا در حال راه رفتن هم باشد ترجیح می دهم حتما با حالت معمول بخوانم یک شب که نخوانم حالم خوب نیست انگار چیزی گم کرده باشم و انگار خودم را گم کرده ام آن روز ناراحت و مضطرب و بی حوصله و در اخلاقم هم بی تاثیر نیست احساس می کنم بخت یارم نیست اصطلاحا. این حالات من را خیلی آزار می دهد: ۱. یکی همان بحث همه چیز شدن (انسان کامل شهید مطهری) ۲. یکی گول حال خوردن در مقابل مراقبه و بحث انگیزه و معیار. ۳. بحثم سر نخواندن نیست که بگوئیم قضایش را بخوان چون خودم با علاقه می خوانم این وابستگی و نیاز شدید به آن مورد من است. ۴. این حالت درست است یا بیماری است؟ چون از بعضی سوال کردم بعضی گفتند شاید بیماری دارید ولی بعضی؟ ۵. این حالات باعث توجه بیش از حد به آن شده، به طوری که کارهای دیگه این قدر برایم مهم نیست. ۶. مثلا آن روایتی که در کتاب تعلیم و تربیت شهید مطهری آن بحث عادت هست که نگاه به زیادی نماز و... نکنید، اگر انجام ندهد «وحشت» می کند. من دقیقا این حالت وحشت را دارم!!! ۷. نمی دانم دغدغه ام ایمانی است (در مقابل انگیزه نسبت به واجبات و...) یا مشکل روحی یا اضطراب..؟ لطفا راهنمایی کنید. تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: إن شاء الله این تعلق به جهت روحانیتی است که در نماز شب پیش می آید. ولی خودتان باید مواظب باشید از سر عادت نخوانید، بلکه بر اساس عزم اُنس با حضرت حق باشید موفق باشید